

اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران در برابر خطر گسترش جنگ دو قطب ارتجاعی، مبارزه برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی را تشدید کنیم!

در حالی که قرار بود دور ششم مذاکرات هسته ای میان آمریکا و رژیم جمهوری اسلامی در روز یکشنبه ۱۵ ژوئن در مسقط برگزار شود، شبانگاه روز پنجشنبه و بامداد روز جمعه ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵ برابر با ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ ارتش اسرائیل در عملیاتی شدیدتر و گسترده تر از دو عملیات قبلی ده ها مرکز هسته ای، سیستم های دفاعی، پایگاههای نظامی و محل استقرار فرماندهان سپاه پاسداران را مورد هدف قرار داد. در این عملیات که با اطلاع و هماهنگی دولت آمریکا انجام گرفته و از آن به عنوان چاشنی پیشبرد مذاکرات هسته ای و وادار کردن جمهوری اسلامی به تسلیم استفاده می شود، مؤسسات اتمی و مراکز نظامی در هم کوبیده شده و چندین تن از فرماندهان بالای سپاه پاسداران و ارتش کشته شده اند.

عملیات جنگنده بمب افکن های نیروی هوایی ارتش اسرائیل در هماهنگی با سازمان موساد بار دیگر نشان داد که به رغم لاف و گزاف و بزرگنمایی های خامنه ای و فرماندهان سپاه، سیستم دفاعی و امنیتی و اطلاعاتی رژیم جمهوری اسلامی تا چه اندازه ضربه پذیر است. در حالی که یک روز قبل، آمریکا سفارتخانه های خود در منطقه را برای آمادگی در مقابل عملیات تلافی جویانه احتمالی رژیم اسلامی تخلیه کرد، جمهوری اسلامی حتی نتوانست محل امنی را برای جلسه فرماندهان سپاه تدارک ببیند. فرماندهان سپاه و دانشمندان هسته ای در آتش جنگی می سوزند که جمهوری اسلامی یکی از برپا کنندگان اصلی آن است. اما پیامد ادامه این جنگ و بمباران ها و رویارویی موشکی رژیم جمهوری اسلامی با دولت های اسرائیل و آمریکا به اینجا محدود نخواهد شد.

این رویارویی نظامی و تشدید فضای جنگی در ایران جدای از گسترش ناامنی، خطر تشعشعات

این شماره نشریه اختصاص به جنگ ارتجاعی اسرائیل و جمهوری اسلامی دارد و مطالب و اطلاعیه هایی که از طرف "حزب کمونیست ایران" و "شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست" منتشر شده را در یک جا گرد آورده است که تصویری از جنگ ۱۲ روزه، اهداف و پیامدهای آن را در اختیار خوانندگان نشریه قرار دهد.



ورود بمب افکن های آمریکایی به جنگ آخرین مرحله از درهم شکستن استراتژی جنگ بازدارنده جمهوری اسلامی

جنگ، صلح و جنبش مردم!

اعلام پیروزی در جنگ، اوج وقاحت خامنه ای

جمهوری اسلامی بر سر دو راهی تسلیم کامل یا تداوم جنگ

درماندگی جمهوری اسلامی در جنگ بر متن تنفر و انزجار عمومی

● بر متن جنگ میان رژیم جمهوری اسلامی و دولت اسرائیل، موج تازه ای از تشدید سرکوب، فشارهای امنیتی، بازداشت های گسترده و تهدید به اعدام در داخل زندانهای ایران به راه افتاده است. جنگی که از هر دو سو با ماهیت ارتجاعی پیش می رود، برای جمهوری اسلامی به فرصتی برای تشدید سرکوب و به حاشیه راندن جنبش های اعتراضی تبدیل شده است. ترس اصلی رژیم نه از "نفوذ اسرائیل"، بلکه از مردم جان به لب رسیده ایران است.

● در چنین شرایطی فعالان جنبش های اجتماعی لازم است خواست "آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی" و "لغو مجازات اعدام" را در صدر شعارها و مطالبات خود قرار دهند. خشم و اراده زنان و مردان آزاده ایران علیه جنگ و موج بگیر و ببندها و اعدام های زمانی به نیرویی سرنوشت ساز تبدیل می شود که متشکل شود. تنها در آن صورت است که می توان دستگاه سرکوب را به عقب نشاند و جنبش مبارزه برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی را به جلو سوق داد.



زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

مجازات اعدام لغو باید گردد!



دادن به رهبری سراسری برای قیام توده ای و سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی در پیش ندارند. نباید گذاشت برخی از نیروی اپوزیسیون بورژوازی ذوق زده، مردم را به اقداماتی زودرس نظیر قیام که درجه بالایی از سازمانیابی و مهارت می طلبد و هنوز برای انجام آن آمادگی وجود ندارد سوق دهند.

حزب کمونیست ایران ضمن محکوم کردن این جنگ و نزاع ارتجاعی، همه کارگران و زحمتکشان و مردم آزاده ایران را به گسترش و تشدید مبارزه برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی فرا می خواند و از فعالان و پیشروان جنبش کارگری و دیگر جنبش های پیشرو اجتماعی می خواهد که تلاش برای امر سازمانیابی و شکل دادن به یک رهبری هماهنگ و سراسری را گسترش دهند. فقط با تعجیل و تشدید تلاش و مبارزه برای آماده کردن ملزومات سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی می توان مردم ایران و منطقه را از شر این رژیم جنایتکار نجات داد، تلاش نیروهای اپوزیسیون بورژوازی و دست راستی برای آلترناتیو سازی از بالای سر مردم را حثی کرد و در برابر نظم منطقه ای امپریالیستی و ارتجاعی آمریکا و اسرائیل افق روشنی را پیش روی کارگران و مردم ستمدیده خاورمیانه قرار داد.



و نزاع رژیم جمهوری اسلامی با آمریکا و اسرائیل بر سر برنامه اتمی هیچ ربطی به منافع طبقه کارگر و مردم ایران و منطقه ندارد. رژیم جمهوری اسلامی در راستای استراتژی بقای خود صدها میلیارد دلار از منابع ثروت جامعه و حاصل رنج و استثمار کارگران و زحمتکشان ایران را صرف پروژه ها و برنامه های هسته ای کرده که دود آن مستقیماً به چشم مردم ایران رفته است. جنگ و نزاع رژیم جمهوری اسلامی



با آمریکا و اسرائیل ادامه سیاست های تاکتونی و از هر دو طرف، جنگ و نزاعی ارتجاعی و سرمایه دارانه است. طبقه کارگر و زحمتکشان و مردم آزاده ایران برای رهایی از خطر گسترش این جنگ راهی جز گسترش و تشدید مبارزه علیه جمهوری اسلامی، تلاش فشرده تر برای سازمانیابی صفوف خود و شکل

اتمی و فقر و فلاکت اقتصادی، قبل از هر چیز روند پیشرفت و تکامل مبارزات کارگری و توده ای و مبارزه برای سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی را به تعویق می اندازد. رژیم جمهوری اسلامی با استفاده از فضای جنگی و تشدید سرکوب و شرایط پلیسی می خواهد روند تکامل مبارزه برای سرنگونی انقلابی نظام اسلامی را مختل و این جنبش و دشمن داخلی را سرکوب کند. دولت آمریکا هنوز هم قصد سرنگونی جمهوری اسلامی را ندارد، بلکه می خواهد با چاشنی فشار عملیات اسرائیل، رژیم جمهوری اسلامی را در مذاکره بر سر بحران هسته ای به تسلیم وادار کند. اما اگر جمهوری اسلامی در ادامه ماجراجویی های تاکتونی، همچنان بر غنی سازی اورانیوم در خاک ایران پافشاری کند، رویارویی نظامی و موشکی ادامه پیدا خواهد کرد و همزمان با ادامه بمبارانها، تلاش برای شکل دادن به یک آلترناتیو حکومتی با کمک نیروی اپوزیسیون بورژوازی و دست راستی و براندازی حکومت اسلامی به بخشی از پروژه آمریکا و اسرائیل برای پیشبرد نظم منطقه ای مورد نظرشان در خاورمیانه تبدیل خواهد شد. در نظم منطقه ای مورد نظر آمریکا و اسرائیل حکومت اسلامی اتمی جایی ندارد.

از این رو همانطور که بارها تأکید کرده ایم، جنگ

ورود بمب افکن های آمریکایی به جنگ آخرین مرحله از درهم شکستن استراتژی جنگ بازدارنده جمهوری اسلامی

یکی پای این استراتژی سازماندهی و تأسیس گروه های نیابتی از نوع حزب الله در لبنان، سازمان جهاد اسلامی در فلسطین، سازماندهی و تجهیز گروه های اسلامی در عراق و یمن، شکل دادن به گروه های میلیشیا در جریان بحران سوریه و مداخله گری های نظامی در کانون های بحران منطقه و گسترش تروریسم بر خلاف قوانین بین المللی و سرمایه گذاری های عظیم در برنامه های هسته ای بود. در پی متحمل شدن ضربات سنگین و فروپاشی گروه های نیابتی اکنون این تأسیسات هسته ای که هزینه سنگین آنها محصول تشدید استثمار طبقه کارگر و زحمتکشان و غارت ثروت های جامعه بود، دارند در مقابل چشم سران جمهوری اسلامی یکی بعد از دیگری نابود می شوند و یا ضربه می بینند. جمهوری اسلامی با نقشه های راهبردی و جاه طلبی ها و ماجراجویی های نظامی خود بیشترین خدمت را به میلیتاریزه شدن بیشتر خاورمیانه و پیشرفت نظم منطقه ای دولت های آمریکا و اسرائیل کرد.

با اینکه خطر گسترش جنگ جدی است و ابدا نباید آن را نادیده گرفت، اما بسیاری از فاکتورهای عینی بر این دلالت دارند که این جنگ



بمب های متعارف را بر مهم ترین سایت های هسته ای ایران فرو بریزند که حتی نهادهای اطلاعاتی خود دولت ترامپ و سازمان جهانی انرژی اتمی هم گزارش ها و ارزیابی دولت اسرائیل در مورد سرعت پیشرفت جمهوری اسلامی در ساخت بمب هسته ای و حتی تصمیم رژیم اسلامی برای ساخت آن را تأیید نکرده اند.

بی جهت نبود که بنیامین نتانیاهوی جنایتکار با لحنی پیروزمندانه ترامپ را بخاطر اتخاذ «تصمیمی جسورانه که تاریخ را تغییر خواهد داد» ستایش کرد و خشنود بود از اینکه توانسته ترامپ را که در کارزار انتخاباتی، خود را مخالف مداخله نظامی در خارج کشور معرفی می کرد، را به دنبال ماجراجویی های نظامی خود جهت شکل دادن به نظم منطقه ای مورد نظر بکشاند. اما ورود بمب افکن های B-۲ و فرود قدرتمندترین بمب های سنگر شکن بر سایت های هسته ای جمهوری اسلامی می تواند مسیر این جنگ ارتجاعی را تغییر دهند؟ واقعیت این است آنچه ما شاهد آنیم آخرین مراحل شکست و در هم کوبیده شدن استراتژی جنگ بازدارنده رژیم جمهوری اسلامی در منطقه خاورمیانه است.

در بامداد روز یکشنبه ۲۲ ژوئن ۲۰۲۵ دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا خبر بمباران سایت های هسته ای جمهوری اسلامی در فردو، نظنز و اصفهان توسط جنگنده بمب افکن های ارتش آمریکا را اعلام کرد. وی در در شبکه اجتماعی تروث سوشال نوشت یک محموله کامل از بمب ها بر روی تأسیسات هسته ای فردو انداخته شد و هواپیماها به سلامت در حال بازگشت به خانه هستند و ضمن تبریک به نیروهای مسلح آمریکا بخاطر عملیاتی که به گفته وی هیچ ارتش دیگری در جهان نمی تواند آن را انجام دهد، در انتهای پیامش نوشت «اکنون زمان صلح است».

سپس ترامپ در یک سخنرانی تلویزیونی این عملیات را «موفقیتی نظامی و تماشایی» توصیف کرد و گفت: «تأسیسات کلیدی غنی سازی اورانیوم ایران به طور کامل و تمام عیار نابود شده اند.» او تأکید کرد که آینده ایران میان «صلح یا فاجعه» خواهد بود وی در گفت وگو با شبکه فاکس نیوز نیز اعلام کرد ۶ بمب سنگر شکن بر روی سایت فردو ریخته شده و ۳۰ موشک تاماهاوک نیز تأسیسات دیگر را هدف قرار داده اند. ترامپ در حالی بر خلاف تمام قوانین بین المللی دستور داد بمب افکن های B-۲ قدرتمندترین

جهان امروز

نشریه سیاسی حزب کمونیست ایران

۱۵ روز یکبار منتشر می‌شود!

زیر نظر هیئت تحریریه

سردبیر: هلمت احمدیان

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال کنید.

ha@cpiran.org

- * جهان امروز تنها مطالبی که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد را چاپ می‌کند.
- * استفاده از مطالب جهان امروز با ذکر ماخذ آزاد است.
- * مسئولیت مطالب با امضا "جهان امروز" تحریریه نشریه است.
- * جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می‌رسد.
- * مطالب جهان امروز با برنامه "ورد فارسی" تایپ می‌شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه ۴ با سایز ۱۲ است.

تأمین با
کمیته تشکیلات دلال کشور
حزب کمونیست ایران

hvefaalin@gmail.com

تلفن، فکس و پیامگیر

009647710286193

0046760854015

004799895674

00436601195907

تأمین با
کمیته تشکیلات
دلال شهرها

komite.shahrha@gmail.com

تلاش های دیپلماتیک گسترده ای در جریان است تا از گسترش این جنگ جلوگیری شود. با اینحال نباید پافشاری دولت نتانیاهو بر ادامه جنگ و تلاش آن برای به میان کشیدن پای امریکا به یک جنگ گسترده، و عنصر ماجراجویی در ساختار حکومتی و تصمیم گیری رژیم جمهوری اسلامی و تمایل برخی از محافل حکومتی در خود امریکا برای گسترش جنگ را نادیده گرفت. نتانیاهو برای به حاشیه راندن اخبار جنایات و نسل کشی که در غزه به راه انداخته و برای بقای خود در قدرت سیاسی به گسترش این جنگ نیاز دارد.

اکنون که خطر گسترش این جنگ وجود دارد طبقه کارگر و زنان و مردان آزاده ایران که فقط در طی هفت سال اخیر سه خیزش توده ای و انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی و هزاران اعتصاب و اعتراض کارگری و توده ای را تجربه کرده اند، در این شرایط جنگی هم لازم است مهر خود را به روند رویدادها بکوبند. اگر رژیم جمهوری اسلامی از فرصت جنگ هم استفاده می کند تا با تهدید و بگیر و ببند و اعدام، توده های زنان و مردان آزاده ایران را از متن مبارزه به حاشیه براند، در این شرایط هم لازم است با شعار نه به این جنگ ارتجاعی و قطع جنگ بی درنگ به اعتراضات و مبارزات خود برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی ادامه دهند. در این شرایط مبارزه برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و خنثی کردن پروژه های آلترناتیو سازی نیروهای اپوزیسیون بورژوازی برای دست به دست کردن قدرت از بالای سر مردم از مسیر برپایی جنبش های اعتراضی توده ای و سراسری علیه این جنگ ارتجاعی و حضور آنان در صحنه سیاسی جامعه می گذرد.

لازم است خواست قطع بی درنگ جنگ به خواست جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانشجویی، جنبش انقلابی کردستان و همه جنبش های پیشرو اجتماعی در ایران تبدیل شود. لازم است همه نهادها، تشکل ها و رهبران و فعالان شناخته شده جنبش کارگری، زنان، دانشجویان، کارزار نه به اعدام، جنبش دادخواهی از زاویه دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان و مردم آزاده ایران در ادامه مواضع طبقاتی و شفافی که در قبال این جنگ ارتجاعی اتخاذ کردند، زمینه ذهنی برای سازماندهی اعتراضات توده ای علیه این جنگ را فراهم آورند. چنانکه جنگ خاتمه یابد، جمهوری اسلامی همان جمهوری اسلامی قبل از جنگ نخواهد بود. موقعیت منطقه ای و بین المللی آن باز هم تضعیف خواهد شد، اقتدار ادعایی آن بیش از پیش در انتظار عمومی فرو خواهد ریخت. جدال و کشمکش های درونی آن تشدید خواهد شد، جنبش های پیشرو اجتماعی و اعتراضی در جامعه رؤیه تعرضی تری بخود خواهند گرفت و رژیم جمهوری اسلامی چند قدم دیگر به سرنگونی نزدیک می شود.

طولانی مدت نخواهد بود. رژیم جمهوری اسلامی که یک پای اصلی این جنگ است به دلایل واقعی و از جمله ضعف بنیه نظامی و بنیه اقتصادی و نبود یک پشت جبهه امن توانایی یک جنگ دراز مدت را ندارد. در طی ده روزی که از آغاز این جنگ می گذرد ساختار فرماندهی و توانایی نظامی و سیستم دفاعی رژیم جمهوری اسلامی اگر از هم فرو نپاشیده، اما بشدت ضربه خورده است. فساد نهادینه شده در ساختار حکومتی و نفوذ سازمانهای امنیتی اسرائیل در وزارتخانه ها و دستگاه اطلاعات و امنیت سپاه پاسداران، جمهوری اسلامی را از اعتبار ساقط کرده است.

دولت ترامپ نظر به افول قدرت اقتصادی آمریکا، هنوز هم وارد شدن به یک جنگ تمام عیار و پرهزینه از نوع جنگ در افغانستان و عراق را در راستای منافع دراز مدت خود نمی داند. هدف اصلی بمبارانهای سنگین سایت های هسته ای در ایران تشدید فشار به منظور وادار کردن جمهوری اسلامی به تسلیم بی قید و شرط به شرایط آمریکا در سر میز مذاکره و دادن این اطمینان خاطر به دولت اسرائیل است که از این بعد برنامه هسته ای جمهوری اسلامی نمی تواند خطری برای موجودیت دولت اسرائیل باشد. دولت های عربستان، امارات متحده عربی و قطر هم به دلیل استقرار نیروهای آمریکایی در خاک آنها و نیز به دلیل سرمایه گذاری ها و پروژه های عظیم اقتصادی که در دستور کار دارند، گسترش این جنگ را در راستای منافع اقتصادی خود نمی بینند.

دولت ترکیه اگر چه دل خوشی از جمهوری اسلامی ندارد، اما تصنیف بیشتر آن در مقابل قدر قدرتی و میلیتاریسم دولت اسرائیل را در راستای منافع خود نمی بیند. دیگر کشورهای منطقه هم که محل استقرار پایگاه نیروهای آمریکایی هستند بشدت از گسترش جنگ نگران هستند. چنانکه جنگ گسترش پیدا کند امنیت تنگه هرمز که بیش از ۲۰ درصد از انرژی جهان از این مسیر به بازارهای جهان راه می یابد به مخاطره می افتد و این میتواند افزایش بیشتر قیمت نفت و انرژی را در پی داشته باشد که دولت اروپایی آن را به زیان اقتصاد خود می دانند.

چین با سرمایه گذاری هایی که در کشورهای خاورمیانه انجام داده و نقشه راهی که برای تبدیل شدن به اولین قدرت اقتصادی جهان دارد مخالف گسترش این جنگ است. روسیه نمی خواهد رژیم جمهوری اسلامی به عنوان متحد وی در این منطقه بیشتر از این تضعیف گردد. از این رو اگر چه محکومیت حملات دولت های اسرائیل و آمریکا به سایت های هسته ای از جانب حکومت های منطقه و حتی از جانب قدرتهای مانند چین و روسیه در حد کلام باقی می ماند، اما از هم اکنون و در پشت پرده

جمهوری اسلامی بر سر دو راهی تسلیم کامل یا تداوم جنگ

گفتگوهای این بار آمریکا با جمهوری اسلامی نه مسأله هسته‌ای، بلکه برچیدن تأسیسات موشکی و تونلهایی خواهد بود که فرماندهان سپاه پاسداران به عنوان کارتی در مذاکرات سابق از تلویزیونهایشان به نمایش می‌گذاشتند؛ قطع کمک و حمایت جمهوری اسلامی از بازمانده گروههایی خواهد بود که سالها تحت عنوان «محور مقاومت» در منطقه به زورگویی و باج‌گیری و زیاده‌خواهی پرداخته‌اند. به این ترتیب یال و کوپال جمهوری اسلامی چیده خواهد شد و رژیم سربه‌زیر خواهد بود. آمریکا تا کنون نیز اعلام کرده که حملات به تأسیسات اتمی رژیم به معنای سرنگونی جمهوری اسلامی نیست و چنین قصدی ندارد.

اینک با گذشت ۱۲ روز از جنگ ارتجاعی میان دولت اسرائیل با جمهوری اسلامی توانایی‌های نظامی ایران به شدت آسیب دیده و تضعیف گردیده است. تلفات جانی سنگینی به رهبری سپاه پاسداران وارد آمده و بسیاری از مراکز و پایگاهها و تأسیسات دولت نظامی و امنیتی حکومت اسلامی درهم ریخته شده است. البته مردم ستم‌دیده ایران نیز بر اثر بمبارانهای دولت جنگ طلب اسرائیل، دچار خسارات مالی و جانی فراوان شده‌اند. در چنین شرایطی رژیم درمانده جمهوری اسلامی از کانالهای متفاوت به تلاش افتاده تا بلکه با میانجی‌گری آنها به آتش بسی با دولت اسرائیل دست پیدا کند و حاضر است در تناسب قوای بسیار نابرابر به مذاکره بپردازد و امتیاز بدهد.

اما عمر جمهوری اسلامی به پایان رسیده است. دشمن اصلی این حکومت فاسد و جنایتکار نه آمریکا و اسرائیل بلکه کارگران و توده‌های مردم زحمتکشی هستند که سالها توسط رژیم اسلامی سرمایه‌مدار مورد تعرض قرار گرفته‌اند، زندگی و معیشتشان فلاکت‌بار بوده و به خطر افتاده است. جنگ ارتجاعی و جنایتکارانه جمهوری اسلامی با آمریکا و اسرائیل بر سر برنامه هسته‌ای ربطی به منافع کارگران و دیگر اقشار تهیدست جامعه ندارد. نباید اجازه داد جنگ، اعتصابات، اعتراضات و مبارزات روزانه جنبشهای اجتماعی موجود را به حاشیه براند. طبقه کارگر و دیگر اقشار تهیدست جامعه و مردم آزادیخواه برای رهایی از خطر این جنگها و گذار از حکومت جمهوری اسلامی، لازم است با فشرده کردن صفوف سازمانیافته خود و تلاش برای شکل دادن به یک رهبری سراسری، خود را برای برپایی قیام توده‌ای و سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی آماده کنند



برای تهیه گزارشی از سایت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی، در گزارشی که روز ۱۹ خرداد رسماً به شورای حکام این آژانس در وین ارائه داد، فاش ساخت که جمهوری اسلامی بیش از ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی شده ۶۰ درصدی تولید کرده است و تنها یک گام تا غنای ۹۰ درصدی برای ساختن بمب اتمی فاصله دارد. و اعلام کرد تا کنون هیچ دولت غیر اتمی چنین حجم و درصدی از اورانیوم را غنی سازی نکرده است و نمی‌تواند توجیهات رژیم را تأیید نماید.

علی‌خامنه‌ای و سایر مسئولان رژیم با تصور اینکه می‌توانند تا رسیدن به بمب اتم، سیاستهای فریبکارانه و قلدرمآبانه تا کنونی خود در این عرصه را ادامه دهند، دچار اشتباه محاسبه شدند. آن‌ها سالها زندگی و معیشت کارگران و مردم تهیدست ایران را با تحریمهای سازمان ملل و آمریکا و اتحادیه اروپا در مضیقه قرار داده و وخیم‌تر کردند. البته مافیای قدرت در سپاه پاسداران و دستگاه روحانیت از آن تحریمها منتفع شده‌اند و تحت عنوان دور زدن تحریمها میلیاردها دلار به جیب زدند. اینک با بمباران سنگین تأسیسات کلیدی غنی سازی اورانیوم در سایت‌های اصلی نطنز، فردو و اصفهان، پروژه هسته‌ای به مثابه دومین پایه استراتژی بقای حکومت اسلامی همانند سازمان دادن نیروهای «محور مقاومت» به عنوان بخشی از استراتژی «جنگ بازدارنده» فرو می‌ریزد.

سران حکومت اسلامی که هریک در پناهگاهی مخفی شده‌اند، در مقابل تعرض ترامپ به تأسیسات هسته‌ای غیر از لاف و گرافه‌گویی کاری از دستشان بر نمی‌آید، مگر آنکه مانند عملیاتی که در تلافی کشتن قاسم سلیمانی انجام دادند، در هماهنگی با خود آمریکایی‌ها یکی از پایگاههای نظامی آمریکا در خاورمیانه را موشک باران کند. از سوی دیگر دولتهای به ظاهر متحد رژیم یعنی چین و روسیه نیز تا کنون غیر از ابراز ناراضی از عملیات آمریکا، کمکی به رژیم نکرده‌اند.

در چنین شرایطی دولت آمریکا در هماهنگی با اسرائیل حکومت اسلامی را بر سر دو راهی بازگشت به گفتگوها یا حملات کوبنده تر نظامی قرار داده است. واقعیت این است در چنین توازن قوای نامناسب و به شدت نابرابر، گفتگوی میان جمهوری اسلامی و آمریکا را نمی‌توان مذاکره نامید. بلکه تسلیم یک طرف جنگ و قبول تمام شروط طرف مقابل است و جمهوری اسلامی به احتمال زیاد مجبور به قبول گفتگو خواهد بود. احتمالاً موضوع

به دنبال بمباران سایت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی در فردو، نطنز و اصفهان توسط هواپیماهای «بی ۲»، آمریکایی در ساعات اولیه روز یکشنبه اول تیرماه ۱۴۰۴، یکی دیگر از پایه‌های اصلی سیاست خارجی بقای رژیم جمهوری اسلامی فرو ریخت. برنامه هسته‌ای که از ۳۵ سال پیش تا کنون صدها میلیارد دلار از حاصل رنج و کار کارگران و ثروت و سامان جامعه صرف آن شد در کنار تأسیس و سازمان دادن گروه‌های اسلامی در کشورهای منطقه بخشی از استراتژی بقای رژیم جمهوری اسلامی بود. جمهوری اسلامی گاه‌ها حتی با بزرگنمایی در



مورد پیشرفت پروژه‌های اتمی در تلاش بود که از قدرتهای منطقه ای امتیاز بگیرد. «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» دهها سال است برای کنترل و بازرسی پروژه‌های اتمی با جمهوری اسلامی در دوره‌های متعدد با مقامات مختلف رژیم اسلامی مشغول گفتگو است. اما مقامات جمهوری اسلامی با گفتن اینکه: «ساختن بمب اتمی حرام شرعی است و ما دنبال آن نیستیم»، تلاش کرده آن‌ها را فریب دهد و مخفیانه مشغول ساختن و نصب دهها هزار سانتریفیوژ و دیگر دستگاههای غنی سازی بوده است.

جمهوری اسلامی سالها سایت‌های هسته‌ای خود را از دید بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پنهان می‌کرد؛ به آنان اجازه بازرسی نمی‌داد یا بطور محدود و مشروط اجازه می‌داد؛ بعضی از آنان را عامل آمریکا و اسرائیل نام می‌برد. با تمام مدیرکل‌های آژانس بین‌المللی در چهار دهه گذشته رابطه تنش آلود ایجاد کردند. همین هفته گذشته علی لاریجانی مشاور علی‌خامنه‌ای و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و رئیس سابق مجلس شورای اسلامی، در حساب کاربری توییتری خود با تهدید ترور رافائیل گروسی مدیر کل این آژانس علناً اعلام کرد که: «جنگ تمام شود به حساب گروسی هم خواهیم رسید». زیرا گروسی پس از سفر به تهران در ۲۷ فروردین امسال

اعلام پیروزی در جنگ، اوج وقاحت خامنه‌ای

آمریکا در رابطه با ادامه گفتگوهای اتمی در ارتباط بوده است. ترامپ نیز که برای شرکت در نشست ناتو به هلند سفر کرده بود، اعلام کرد که جمهوری اسلامی از ما خواسته دور ششم گفتگوها را برگزار کنیم. هفته آینده این کار را خواهیم کرد. بنا بر این اظهارات خامنه‌ای در مورد جنگ و در رابطه با آمریکا و اسرائیل فریبکارانه و کذب محض است.

خامنه‌ای کسی بوده که در طرح ریزی تمام برنامه‌های کلان و استراتژیک جمهوری اسلامی در چهار دهه گذشته، از جمله برنامه هسته‌ای، معماری استراتژی جنگ بازدارنده، تشکیل گروه‌های تروریست باصطلاح "محور مقاومت" با هدف جنگ افروزی و دخالت در امور دیگر کشورها، و دیگر سیاستهای جمهوری اسلامی، مسئول بوده و دست داشته است. هریک از این طرحها صدها میلیارد دلار هزینه داشته‌اند. اینک که همگی این برنامه‌ها با شکست مواجه شده‌اند، خامنه‌ای نمی‌تواند از زیر بار این مسئولیت که موجب کشتار ده‌ها هزار نفر و به هدر دادن صدها میلیارد دلار از سرمایه و حاصل رنج و کار کارگران و مردم زحمتکش بوده، شانه خالی کند و با دروغ و فریبکاری این شکست‌ها را کتمان نماید.

اینک نیز با توجه به ماهیت جنگ افروزان و جنایتکارانه ننانیاهو و خامنه‌ای، آتش بسی که میان اسرائیل و جمهوری اسلامی برقرار شده است، محصول گفتگوی طرفین و عقد قراردادی میان آنها نبوده، بلکه با دستور شتاب زده ترامپ انجام گرفته است. از همان روز اول آتش بس اسرائیل اعلام کرد چنانچه متوجه تحرکات موشکی جمهوری اسلامی در داخل ایران شود، یا اگر مشاهده کند که تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی به رغم ضرباتی که خورده است، درحال بازسازی است و دوباره شروع به کار کرده، حملات نظامی خود را از سر خواهد گرفت.

اما تا زمانی که چنین حکومت‌هایی در جهان و منطقه در قدرت باشند، زندگی کارگران و توده‌های مردم ستمدیده نه در امنیت و امان خود بود و نه رفاه و آسایش و ثبات درکار خواهد بود. شیشه عمر نکبت بار جمهوری اسلامی که اینک ضعیف‌تر از هر زمانی است، در گرو عزم طبقه کارگر متحد و متشکل، اعتصابات کارگری در مراکز کلیدی تولیدی و خدماتی، گسترش جنبش‌های اجتماعی و به میدان آمدن توده‌های فرودست جامعه در سطح سراسری است. لازم است این نیروی عظیم اجتماعی در ابعاد گسترده به حرکت درآید تا بساط رژیم جمهوری اسلامی را در هم پیچد.

است. علاوه بر آن تنها کاری که جمهوری اسلامی علیه اسرائیل انجام داده و اسرائیل نیز آنرا تأیید کرده است، شلیک ۵۵۰ فروند موشک بالستیک و بیش از هزار پهپاد انفجاری به سوی اسرائیل بوده که تنها ۳۱ فروند از موشک‌ها در شهرهای اسرائیل به زمین خورده و خساراتی به خانه‌های مردم آورده و مرگبار بوده‌اند.

علاوه بر تلفات جانی بالا، در این جنگ ارتجاعی و جنایتکارانه طی ۱۲ روزه جمهوری اسلامی در سراسر ایران، ضربات بسیار سنگین متحمل شده است. بنا



به گزارش فایننشیل تایمز و دیگر رسانه‌ها، خسارات جنگ در ایران بسیار بالا است. زیر ساختهای دفاعی، هسته‌ای و اطلاعاتی از کار افتاده‌اند؛ بسیاری از فرماندهان بالای سپاه پاسداران و ارتش و دانشمندان اتمی رژیم کشته شده‌اند؛ سامانه‌های پدافند هوایی جمهوری اسلامی بکلی از کار افتاده و آسمان ایران مدتها در اختیار هواپیماهای اسرائیل بوده است؛ مراکز و تأسیسات هسته‌ای فردو، نظنز و اصفهان و مراکز نیروهای سپاه، ارتش، هوانیروز و انتظامی، به ویژه در آذربایجان، کردستان، ایلام، ساختمان صدا و سیما، فرودگاهها و کارخانجات تولید و ساخت موشک و قطعات یدکی تأسیسات هسته‌ای، کارخانجات تولید سوخت موشک در منطقه لویزان و پارچین و لرستان و بسیاری جاهای دیگر در تهران، تبریز، قم، اصفهان، کردستان و دیگر جاها ویران شده است.

بدون شک شخص خامنه‌ای از کل این ماجراها مطلع است. با وجود این در کمال وقاحت و بیشرمی این جنگ را پیروزی جمهوری اسلامی بر آمریکا و اسرائیل می‌خواند. در همین فاصله جمهوری اسلامی بارها زبانونه از آمریکا درخواست آتش بس کرده است. این در حالی است که جمهوری اسلامی طی این مدت نیز بطور مداوم با نمایندگان

روز پنج‌شنبه پنجم تیرماه و دو روز پس از آتش بس اعلام شده از جانب ترامپ، در رابطه با جنگ مستقیم دوازده روزه میان اسرائیل و جمهوری اسلامی، علی خامنه‌ای از پناهگاه خود پیامی تصویری ضبط شده و نامسجم فرستاد. خامنه‌ای در این پیام که از تلویزیون جمهوری اسلامی پخش گردید با چهره‌ای تکیده و صدایی گرفته، مدعی شده که جمهوری اسلامی در جنگ بر آمریکا و اسرائیل پیروز شده است. او گفت: "این پیروزی جای چند تبریک دارد. یکی از تبریک‌ها به خاطر دخالت آمریکا در این جنگ است که احساس می‌کرد اگر مداخله نکند، رژیم صهیونیستی کاملاً نابود خواهد شد. در این جنگ جمهوری اسلامی سیلی محکمی به صورت آمریکا زده است". خامنه‌ای در مورد اسرائیل نیز گفت: "رژیم صهیونیستی با آن همه هیاهو و آن همه ادعا در زیر ضربات جمهوری اسلامی از پا درآمد و له شد".

خامنه‌ای در ادامه‌ی سخنرانی خود با افتخار شلیک ۱۴ فروند موشک از جانب سپاه پاسداران به پایگاه "العدید" آمریکا در قطر در روز دوم تیرماه را به عنوان دستاورد نامید. پرتاب این موشک‌ها که با اطلاع قبلی آمریکا به عنوان پاسخ نمادین جمهوری اسلامی به بمباران مهیب و ویرانگر سایت‌های اتمی فردو، نظنز و اصفهان توسط هواپیماهای غول‌پیکر "بی ۲" آمریکا در اول تیرماه صورت گرفت برای مصرف داخلی بود. البته مردم ایران بهتر از هر کسی می‌دانند که در این جنگ جمهوری اسلامی تا چه اندازه درمانده بوده است. این به اصطلاح حمله‌ی جمهوری اسلامی به پایگاه آمریکا، با موافقت قبلی قطر و آمریکا و به منظور جلوگیری از تحقیر و آبروریزی بیشتر جمهوری اسلامی صورت گرفت و از قبل آن پایگاه به طور موقت تخلیه گردید. به غیر از یکی از موشک‌ها که در بیابانی و بدون خسارت فرود آمد، بقیه‌ی موشک‌ها همگی در هوا توسط ارتش قطر و آمریکا ردیابی و منفجر گردیدند. در این رابطه ترامپ فاش ساخت که: "جمهوری اسلامی حتی ساعت شلیک این موشک‌ها را نیز با موافقت ما تعیین کرده بود". به دنبال آن مسعود پزشکیان نیز به عنوان رئیس جمهور از دولت قطر تشکر و معذرت خواهی کرد.

رجزخوانی‌های خامنه‌ای درحالی است که بنا به گزارش خبرگزاری "هرانا" ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، طی ۱۲ روز جنگ ارتجاعی میان اسرائیل و جمهوری اسلامی که با مداد روز جمعه ۲۳ خرداد از جانب اسرائیل آغاز گردید، در ایران ۱۰۵۴ نفر کشته شده و ۵۳۳۲ نفر زخمی گردیدند. این خبرگزاری تعداد کشته‌های جنگ در اسرائیل را تنها ۲۸ نفر و تعداد مجروحان را نیز ۱۳۴۷ نفر ذکر کرده

جنگ، صلح و جنبش مردم!

م مهرزاد

میلیون نفر به مازندران رفتند و نزدیک به هفتمین رقم به گیلان و دیگر مناطق نسبتاً امن تر پناه بردند.

باید دید چه مولفه هایی باعث چنین اتفاقی شد؟ عموم مردم هر چند نفرت عمیقی به جمهوری اسلامی دارند و مبارزات گسترده ای را در چند سال گذشته رقم زدند ولی در وضعیت انقلابی نبودند و از طرفی نیز میدانند که اسرائیل حکومتی نژاد پرست و جنایتکار است و هیچ منفعتی در این جنگ که از آسمان بمب فرو می ریخت نمی دیدند. عموم تشکل های مستقل چه کارگری و چه دمکراتیک در داخل کشور هر دو طرف جنگ را محکوم و موضع ضد جنگ گرفتند. جریانات سوسیالیست انقلابی متشکل در "شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست" نیز جنگ را ارتجاعی ارزیابی کرده و به سرعت "نه به جنگ" گفتند.

در اپوزیسیون راست هم شکاف بزرگی اتفاق افتاد. لیبرال جمهوری خواهان که فلسفه وجودیشان وطن پرستی و ملی گرایی است نمی توانستند با اسرائیل و آمریکا همراهی کنند و از سویی اگر کنار جمهوری اسلامی می ایستادند، در نزد افکار عمومی نابود می شدند و در نتیجه سلطنت طلبان بخش قابل توجهی از اپوزیسیون راست را هم به همراه نداشتند. سلطنت طلبان به امید رژیم پنج حاضرند میلیون ها نفر از مردم کشته شوند اما فقط آنها به قدرت برسند اما مردم تغییر حکومت را نه از طریق بمباران هوایی بلکه با پیشروی مبارزه طبقاتی تحقق پذیر می دانند و عملاً در طی چندین جنبش گسترده و هزاران اعتصاب سالانه نشان داده اند که تنها به نیروی خود اعتماد دارند و نه کشورهای امپریالیستی و ارتش های آنها. از این زاویه در واقع جنبش کارگری و توده ای به پروغریب های سلطنت طلب نه بزرگی گفت و شکستی برای این جریان رقم خورد. هر چند که چپ انقلابی ضروری است همواره نسبت به جریانات دست راستی و از جمله سلطنت طلبان هوشیار باشد و به افشای سیستماتیک آنها بپردازد، اما به هر شکل پروژه سلطنت طلبان در جریان جنگ دوازده روزه شکست خورد.

دیگر جریانات دست راستی مثل عبدالله مهدی نیز همچون رضا پهلوی به دنبالچه نیروهای غربی و مشخصاً آمریکا تبدیل شده و انتظار داشت تا در این وضعیت بتواند سهمی از قدرت پس از جمهوری اسلامی به او داده شود. سقوط او و جریان آنها بی پرستی کاملی را رقم زده که دیگر برای آنها فرقی نمی کند، کنار سلطنت طلبان بایستند یا دیگر ناسیونالیست ها در کردستان. با آمریکا و اسرائیل در بمباران مردم همراه شوند و یا با

ماه گذشته - نابودی قدرت نظامی حزب الله لبنان، نابودی جنگندگی حماس، سرنگونی دولت بشار اسد، تضعیف حوثی ها - جمهوری اسلامی دیگر یک قدرت منطقه ای نیست و شرایط آن کاملاً تغییر کرده و در موضع ضعف قرار گرفته است. آمریکا و اسرائیل قادرند این شرایط را حفظ کنند و حتی الباقی و ته مانده ی قدرت منطقه ای جمهوری اسلامی در عراق و یمن را نیز تضعیف کنند. جمهوری اسلامی آخرین برگ بازی خود را نیز که همانا تاسیسات اتمی و نزدیک بودن به امکان ساخت بمب اتمی بود را نیز از دست داده و برگ دیگری برای بازی در مقابل قدرت ها ندارد.

اما شرایط در داخل کشور پس از این جنگ برای جمهوری اسلامی چیست؟ برخلاف پروپاگاندهای اسرائیل و سلطنت طلبان، دولت آمریکا قصد سرنگونی جمهوری اسلامی را در این جنگ نداشت و ندارد و همانطور که ترامپ گفت سرنگونی جمهوری اسلامی باعث "هرج و مرج" می شود و اتاق فکر آنها تشخیص می دهد که آلترناتیو کارگری و مردمی و سوسیالیست ها با سرنگونی جمهوری اسلامی به سرعت متشکل و تکثیر خواهند شد و جنبش ضد سرمایه داری رشد خواهد کرد و در ایران صرفاً با تغییر مهروه و مثلاً آوردن سلطنت طلبان بر سر کار ماجرا تمام نمی شود. البته آمریکا و قدرت های اروپایی خود را برای سناریوهای دیگر نیز آماده کرده بودند و با در نظر گرفتن احتمال طولانی شدن جنگ و فروپاشی جمهوری اسلامی، سعی کردند آلترناتیو سلطنت طلبان را تقویت کنند. در طیف لیبرال ها با توجه به موضع ضد جنگ آنها و فقدان شخصیت های مطرح در جامعه و عدم انسجام لازم، آنها تلاش کردند رضا پهلوی را بیشتر مطرح و بزرگ کنند و در همین رابطه خبرگزاری های پر بیننده، شروع به پخش مصاحبه زنده با رضا پهلوی، خواندن پیام های او و اعلام آمادگی او برای یک حکومت موقت صد روزه کردند.

سلطنت طلبان و مشخصاً رضا پهلوی فراخوان به قیام مردمی و حمایت از آلترناتیو خود دادند و فرصت را برای سرنگونی رژیم مناسب ارزیابی کردند. در خارج کشور آکسیون هایی با پرچم شیر و خورشید و اسرائیل راه انداختند و از بمباران اسرائیل حمایت کردند. رضا پهلوی خواهان بمباران هر چه بیشتر بود و هیچ اهمیتی به تلفات غیر نظامیان نمی داد. با وجود تبلیغات وسیع سلطنت طلبان از طریق رسانه های پربیننده اینترنتی و بی بی سی فارسی، واقعیات به گونه ای دیگر رقم خورد. مردم شهرهای تحت بمباران و بخصوص تهران را تخلیه کردند و میلیون ها نفر از شهرها خارج شدند. فقط شش

جنگ دوازده روزه که با تهاجم غافلگیر کننده اسرائیل شروع شد، برگ جدیدی در تاریخ ایران و شرایط جمهوری اسلامی است. دست بالا داشتن اسرائیل و نابودی اکثر صنایع اتمی و بخشی از نیروهای سپاه و سران سپاه، به شدت جمهوری اسلامی را در موضع ضعف قرار داد. همه سران حکومتی و حتی خامنه ای ناچار شدند به مخفی گاه ها بروند و حملات موشکی سپاه به اسرائیل نیز نتوانست بازدارندگی ایجاد کند. فضای ایران کاملاً در اختیار نیروی هوایی اسرائیل بود و روزانه ده ها هدف مورد حمله قرار گرفت. کشته شدن سلامی، حاجی زاده، باقری و ده ها تن دیگر از رهبران سپاه اعتماد به نفس سپاه را به شدت پایین آورد



و در نهایت با آخرین ضربه توسط بمب افکن های آمریکایی به تاسیسات زیر زمینی اتمی در فردو و نطنز و اصفهان عملاً جمهوری اسلامی تسلیم فرمان آتش بس ترامپ شد.

هر چند این آتش بس ضعیف است و احتمال حمله مجدد اسرائیل وجود دارد، اما عملاً اسرائیل و آمریکا به اهداف خود در این مقطع دست یافتند. نابودی تاسیسات اتمی، کاهش قوای موشکی، نشان دادن قدرت نظامی به جمهوری اسلامی و کاهش توان نظامی سپاه. اگر تصور کنیم که هم اکنون جمهوری اسلامی دست به کار باز سازی همه چیزهایی که از دست داده است بشود، سال های زیادی لازم است تا به زمان قبل از جنگ برسد. وانگهی حالا آمریکا و اسرائیل با قدرت نمایی خود کنترل شدیدی برای تحمیل شرایط خود و عدم اجازه برای بازسازی صنایع اتمی را برقرار خواهند کرد و شمشیر داموکلس را بالای سر جمهوری اسلامی قرار خواهند داد. به جز حمایت لفظی از طرف چین و روسیه، جمهوری اسلامی هیچ حمایت بیشتری دریافت نکرد، چرا که از یک طرف روسیه درگیر جنگ اوکراین است و در دسر بیشتری در روابط خود با آمریکا نمی خواهد و از سوی دیگر چین حاضر نیست به خاطر جمهوری اسلامی منفعت های بزرگ اقتصادی خود را در روابط با غرب به خطر بیندازد.

در نتیجه موقعیت جمهوری اسلامی در منطقه و موج سواری بر جنبش ارتجاعی اسلامی، به نقطه عطف خود رسیده و پس از این جنگ و پیشینه چند

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست علیه جنگ ارتجاعی اسرائیل و رژیم اسلامی

حمله اسرائیل در روز جمعه، رژیم اسلامی را که در تدارک شرکت در دور ششم مذاکرات روز یکشنبه با آمریکا در مسقط بود، غافلگیر کرد. استراتژی بی پایه بازدارندگی هسته‌ای رژیم اسلامی که با صرف صدها میلیارد دلار و به قیمت فلاکت اقتصادی دهها میلیون مردم ایران بنا شده بود، فرو ریخت. حاکمان اسلامی پس از شوک اولیه که بر کل نظام و بدنه اش بخاطر از دست دادن فرماندهان ارشد سپاهی و هسته‌ای وارد شده بود، از دیشب موشک باران اسرائیل را آغاز کرده است. اما چگونگی پایان دادن به این جنگ که هیئت حاکمه ایران از ابتدا حیثیت خود را به نابودی اسرائیل گره زده همراه با تعیین تکلیف نهایی پرونده هسته‌ای که با اجلاس شورای حکام شماره معکوس

نه به جنگ ارتجاعی قطع بیدرنگ جنگ

آن شروع شده، چه بسا محور مناقشات درونی و بروز شکافهای بزرگ در رژیم اسلامی خواهد بود.

همان گونه که از پیش روشن بود و از دیروز که حمله اسرائیل شروع شد مجددا اثبات گشت که اکثریت مردم ایران در هیچ جنگی در کنار رژیم اسلامی نخواهند بود. جنگ واقعی مردم ایران، جنگ با کلیت رژیم اسلامی برای سرنگونی انقلابی آن است. جنگی که از دیماه ۹۶ شروع شد و با قتل مهسا و جنبش انقلابی ۱۴۰۱ ادامه یافت. از دید رژیم اسلامی، مردم ایران دشمن اصلی موجودیتش هستند، نه اسرائیل. بنابراین حاکمیت اسلامی سعی خواهد کرد از حمله اسرائیل به نفع خود سود جوید تا مبارزات جنبش‌های مختلف اجتماعی و طبقاتی را که تا پیش از حمله اسرائیل جریان داشت، سرکوب کند. پوشیده نیست رژیم نژاد پرست اسرائیل

ما باید متحدانه از جان زندانیان سیاسی دفاع کنیم تا خطر کمتری آنها را تهدید کند. ما به طور کلی با اعدام و شکنجه مخالفیم و آن را غیرانسانی و وسیله ای برای سرکوب مردم می دانیم، اما به طور مشخص در رابطه با دستگیری صدها نفر که عموماً فعالین کارگری یا سیاسی و اجتماعی هستند و صرفاً موضع ضد جنگ خود را اعلام کرده اند با افرادی که عامل اسرائیل بودند و مثلاً پهبادهایی را هدایت می کرد و یا ساختند، متفاوت است. نباید اجازه دهیم دستگاه سرکوب رژیم در سایه جنگ ارتجاعی مخالفان جنگ را نیز سرکوب و زندانی کند. تلاش برای آزادی آنها و اعلام نام و نوع فعالیت آنها ضروری است و بیش از پیش باید به آن پردازیم.

موقعیت سیاسی جمهوری اسلامی نه تنها بهتر نخواهد شد، بلکه به مراتب بحرانی تر نیز خواهد شد. با فرکش کردن گرد و خاک جنگ، مردم این شرایط را بیش از پیش ناشی از سیاست‌های جمهوری اسلامی می دانند. بحران اقتصادی ابعاد بزرگتری می‌یابد و جمهوری اسلامی که در نتیجه بلند پروازی های منطقه ای به شدت شکست خورده است، چیزی جز سرکوب بیشتر و تکیه بر سرنیزه ندارد تا همچنان چند صباحی بتواند حکومت کند. از درون جنبش کارگری و دیگر جنبش‌های مردمی، اعتراضات و اعتراضات بیشتری بیرون خواهد آمد و استراتژی متشکل شدن تداوم خواهد یافت. این جنگ دوازده روزه امتحانی بود برای فعالین و تشکل‌های جنبش‌ها که از آن سربلند بیرون آمدند و به عبارتی دیگر نقطه عطفی بود برای موضع‌گیری سیاسی مشترک و گسترده ای که حکایت از پختگی و رشد کیفی تشکل‌ها و فعالین آنها دارد. حتی از درون زندان تعدادی از زندانیان سیاسی اطلاعیه ضد جنگ دادند که انعکاس قابل توجهی داشت. جنگ دوازده روزه نشان داد که همه تشکل‌های کارگری و دمکراتیک نیز می‌توانند و لازم است به فراخور شرایط خود در موقعیت‌های بحرانی موضع‌گیری سیاسی بکنند و این مواضع در واقع یک بلوک ضد جنگ با موضع انقلابی را ایجاد کرد.

مواضع سیاسی در قبال جنگ دوازده روزه جمهوری اسلامی و اسرائیل در طیف گرایش‌های مختلف اپوزیسیون تا مدت‌ها مورد بحث قرار خواهد گرفت و چهره واقعی‌تری از جریان‌ها را می‌توان به توده‌ها نشان داد. ماهیت جنگ اکنون نسبت به جنگ دهه شصت برای مردم تا حدود زیادی روشن‌تر است، عموم مردم نسبت به حکومت توهمی ندارند و به این اعتبار منفعت جریان‌های مختلف را در این رابطه بهتر و شفاف‌تر می‌شود توضیح داد. به راستی که جنگ ادامه سیاست است به طریقی دیگر.

۲۷-۰۶-۲۰۲۵

اصلاح طلبان حکومتی کنار بیایند.

با وجود همه این واقعیت‌ها، جریان انشعابی از حزب و شخص ابراهیم علیزاده تلاش دارند با عبدالله مهدی و دیگر جریان‌های ناسیونال بورژوازی کورد چتر و بلوک مشترکی ایجاد کنند. جنگ نه تنها ادامه سیاست از طرق دیگر برای دولت‌ها است بلکه برای جریان‌های دست راستی نیز ادامه سیاست با روشی آشکارتر است. آیا واقعا با عبدالله مهدی و حزب دمکرات کردستان می‌شود بلوکی انقلابی و مردمی ایجاد کرد؟ چطور می‌شود خود را سوسیالیست و چپ نامید، اما با جریان‌های بغایت حل شده در اپوزیسیون پرو غربی همکاری کرد و بلوک مشترک ایجاد کرد؟

در سوی دیگر جریان‌های محور مقاومتی و عناصری منفرد و برخی جریان‌ها تنها با محکوم کردن حمله اسرائیل و آمریکا بدون اینکه جمهوری اسلامی را نیز یک عامل این جنگ ارتجاعی بنامند، عملاً آب به آسیاب جمهوری اسلامی ریختند. مدت مدیدی است که سوسیالیست‌ها می‌دانند ماهیت جنگ نه بر اساس اینکه کدام دولت اول حمله را آغاز کرده، بلکه بر سر ماهیت و منافع طرفین است که تعیین می‌شود. هر جریان و فردی که صرفاً حمله آمریکا و اسرائیل را محکوم کند و یا برعکس صرفاً جمهوری اسلامی را محکوم کند، درک انحرافی و کاملاً غیر واقعی از این جنگ ارائه داده است. موضع محور مقاومتی، تنها وارونه جلوه دادن جنگ نیست بلکه همسو شدن با جمهوری اسلامی و در مقابل مردم قرار گرفتن است. همانطور که سلطنت طلبان همدست اسرائیل و آمریکا هستند، موضع محکومیت تنها تهاجم نظامی اسرائیل و آمریکا نیز در کنار جمهوری اسلامی ایستادن است.

به طریق اولی گفته شد که جمهوری اسلامی پس از جنگ ضعیف شده و قدرت منطقه‌ای خود را تا حدود بسیار زیادی از دست داده است. ضربات سنگین بر توان نظامی و برخی زیر ساخت‌ها جمهوری اسلامی را طی سال‌های زیادی به چالش خواهد کشید. هزینه‌های جبران تخریب‌ها بسیار زیاد است و وضعیت جمهوری اسلامی بحرانی‌تر خواهد شد.

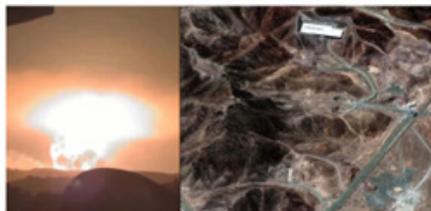
در عرصه سیاسی و در داخل کشور، هر چند دستگاه سرکوب سعی خواهد کرد از فضای جنگی استفاده کند و هم اکنون نیز اقدام به بازداشت بیش از صد ها نفر کرده و مهر همکاری با اسرائیل به آنها زده است، اما به طور واقعی مخالفت با جنگ ارتجاعی چنان گسترده بود و از چنان پایه اجتماعی برخوردار است که رژیم قادر نیست فضای رعب و وحشت حاکم کند. تلاش رژیم برای ایجاد رعب و وحشت و استفاده از فضای جنگی مقطعی و بسیار گذرا است.



اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست پیامدهای شرکت مستقیم آمریکا در جنگ ارتجاعی با حمله به مراکز هسته ای

افزایش دستگیری‌ها تلاش عبث رژیم اسلامی است برای حفظ خود در مقابل مردم.

اسرائیل و آمریکا بدون هیچ نگرانی از عواقب مرگبار تشعشعات اتمی برای مردم و محیط زیست، به



تاسیسات اتمی در ایران حمله کردند و مردم ایران بدون هیچ امکانات و آموزشی برای مقابله با خطر تشعشعات اتمی رها شده اند. رژیم اسلامی برای محافظت از سانتریفیوژها و موشک‌های شهرک‌هایی زیر کوه ساخته، اما مردم ایران برای در امان ماندن از بمباران رژیم آپارتاید و آدمکش اسرائیل شهرهای محل زندگیشان را ترک می‌کنند. مردم ایران که حتی قبل از حمله اسرائیل در ۲۳ خرداد نیز با کمبود آب و برق روبرو بودند، بجز خودشان و ابتکاراتی نظیر گروه‌های همیاری برای اسکان، هیچ یار و یآوری ندارند تا از صدمات جنگ ارتجاعی رژیم اسلامی و رژیم اسرائیل بکاهند. همبستگی مردم ایران علیه رژیم اسلامی و علیه آمریکا و اسرائیل بزرگترین عامل آمادگی است برای تعیین سرنوشت خود علیه دو جریان ارتجاعی و آدمکش حاکم بر ایران و فاشیست‌های سلطنت طلب و رضا پهلوی.

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری

جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

دوشنبه ۲ تیر ۱۴۰۴

برابر با ۲۳ ژوئن ۲۰۲۵



حمله نظامی آمریکا به تاسیسات هسته ای اصفهان، نطنز و فردو در یکشنبه اول تیرماه، رژیم اسلامی را در مقابل توافق با ترامپ، نه اروپا، یا روبرو شدن با جنگی تمام عیار گذاشت. توافقی که تسلیم محض است و خامنه ای آنرا صلح تحمیلی و غیر قابل قبول دانست. حمله سپاه پاسداران به پایگاه نظامی آمریکا در قطر خساراتی ببار نیاورده که ترامپ برای بازگرداندن رژیم اسلامی به میز مذاکره، نتواند از آن صرف نظر کند.

رژیم اسلامی قدرت دفاع از حریم هوایی کشور را ندارد و هواپیماها و پهبادهای اسرائیل هر روزه اهدافی را در ایران بمباران می‌کنند. سپاه پاسداران بجز حمله موشکی به شهرهای اسرائیل که فقط تعداد کمی از "گنبد آهنین" عبور می‌کنند، هیچ اهمی برای متوقف کردن حملات اسرائیل ندارد. اهدافی که اسرائیل و آمریکا در مقابله با رژیم اسلامی داشتند متناسب با توانشان در حمله به اهداف نظامی و غیر نظامی رو به تغییر است. غنی سازی صفر درصد، محدودیت در برد موشک‌های بالستیک و قطع کمک به نیروهای نیابتی دارد کنار گذاشته می‌شود و ترامپ پس از حمله به تاسیسات اتمی اصفهان، نطنز و فردو "رژیم چنج" را مطرح کرده است.

شکاف جناح‌های رژیم اسلامی برای پاسخ به اروپا، اسرائیل و آمریکا علنی است، منتها هنوز از کنترل خامنه ای خارج نشده و همگی یکدست عمل می‌کنند. خارج شدن توازن قدرت فعلی جناح‌ها به دلیل مرگ خامنه ای و یا دلایل دیگر در تغییر مسیر جمهوری اسلامی در مواجهه با جنگ و بحران کنونی موثر است. آمریکا و اسرائیل برای "رژیم چنج" پیاده نظام ندارند. فاشیست‌های سلطنت طلب و رضا پهلوی در تلاشند تا مردم ایران را تبدیل به پیاده نظام نتانیاو کنند که به جنایت جنگی و نسل کشی متهم است و تحت تعقیب دادگاه بین المللی کیفری است.

مشکل بزرگ جمهوری اسلامی با هر توافقی بررسی تاثیر آن در مردم ایران است که خواهان سرنگونی انقلابی آن هستند. رژیم اسلامی در میانه منگنه مردم ایران و حملات نظامی اسراییل و آمریکا و فشار "مکانیسم ماشه" سه کشور اروپایی قرار گرفته است. جمهوری اسلامی بجای تسلیم به مردم ایران، راه مذاکره و سازش و تسلیم به آمریکا و اروپا را پیش گرفته و سرکوب مردم تشدید کرده است. گشت‌های شبانه و بازرسی‌های جاده ای به ویژه در کردستان و

که مانع دسترسی میلیونها نفر از مردم غزه به غذا، دارو و ابتدایی ترین امکانات زنده ماندن است و دادگاههای بین المللی حکم بازداشت نتانیاو را به جرم نسل کشی صادر کرده اند، دوست و متحد فاشیست‌های سلطنت طلب و رضا پهلوی هستند نه مردم ایران.



رژیم فاشیست اسرائیل و رژیم اسلامی بهانه وجودی یکدیگرند و ادامه حیات جنایتکارانه خود را با وجود دیگری توجیه می‌کنند و هر دو دشمنان کارگران و مردم زحمتکش و علیه هر نوع ترقی و آزادی خواهی در منطقه اند. بی تردید این جنگ، توده های مردم ایران را که عزم جزم کرده اند تا از شر نظام سراپا فاسد و جنایتکار اسلامی خلاص شوند، خانه نشین نخواهد کرد. جنبش‌های اجتماعی و طبقاتی در ایران در کنار نیروهای های چپ و کمونیست و نهادهای پیشرو با کمک یکدیگر راه خود را برای ادامه مبارزاتشان علیه کلیت رژیم اسلامی، علیه اسرائیل و متحدان سلطنت طلبش خواهند یافت.

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری

جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

شنبه ۲۴ خرداد ۱۴۰۴

برابر با ۱۴ ژوئن ۲۰۲۵

امضاها: اتحاد سوسیالیستی کارگری

حزب کمونیست ایران

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

سازمان راه کارگر

سازمان فدائیان (اقلیت)

هسته اقلیت



تبعات جنگ ارتجاعی، زندگی، امنیت و معیشت مردم را به خطر انداخته است!

یک هفته از جنگ ارتجاعی میان دولت نسل کش اسرائیل و رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی می گذرد. طی این مدت ارتش اسرائیل با برتری نیروی هوایی، روزانه دهها مرکز هسته‌ای، تحقیقاتی، نظامی، امنیتی، موشکی، پهبادی، تبلیغاتی رژیم اسلامی و برخی مکانهای غیر نظامی را مورد حمله قرار داده است. بنا به گزارش سازمان حقوق بشری هرانا طی یک هفته گذشته در ایران، ۶۵۷ نفر کشته و ۲۰۲۷ نفر نیز زخمی شده‌اند. در ساعات اولیه بامداد روز جمعه ۳۰ خرداد رسانه‌های جمهوری اسلامی از صدای پرواز و انفجارهای مهیب در تهران خبر دادند. در این رابطه همزمان ارتش اسرائیل اعلام کرد که: "در حمله به یک مکان مخفی در کوهستانی که فرماندهان سپاه قدس در آن تشکیل جلسه داده بودند، ۳۰ نفر از فرماندهان سپاه پاسداران کشته شدند".

رژیم جمهوری اسلامی که در موضع ضعف قرار گرفته است، نه خود اطلاعات واقعی و درستی به مردم می‌دهد و نه به خبرنگاران و روزنامه نگاران و عکاسان مستقل اجازه تهیه گزارش می‌دهد. جدا از آن طی این مدت رژیم به تهدید و تعقیب و دستگیری کسانی پرداخته که عکس و یا کلیپی از جنگ و ویرانیهای آن تهیه می‌کنند. به گزارش هرانا رژیم در این مدت دست کم ۲۰۶ نفر را به این جرم بازداشت کرده است. رژیم جمهوری اسلامی برای جلوگیری از انتشار اخبار جنگ و تعداد کشته و زخمی و ویرانیهای ناشی از آن، با کاهش و قطع متناوب اینترنت مانع اطلاع رسانی مستقل از وضع موجود از سوی مردم و خبرنگاران شده است. قطع کامل اینترنت در روز پنج شنبه ۲۹ خرداد ارتباط و اطلاع رسانی مردم به همدیگر از طریق شبکه‌های اجتماعی را نیز غیر ممکن ساخته است. امری که در چنین شرایطی برای مردم و کمک به همدیگر از اهمیت زیادی برخوردار است.

البته رسانه‌های رسمی رژیم به ویژه "سازمان صدا و سیما" جمهوری اسلامی، قبل از جنگ و طی چهار دهه گذشته نیز آنچنان حقایق را سانسور و وارونه منعکس کرده‌اند، که هیچ اعتباری در میان مردم برایشان باقی نمانده است. مردم ایرن می‌دانند اخبار و گزارش‌هایی که از دستگاههای تبلیغی رژیم منتشر می‌شوند، جعلی و بر اساس مصالح و منافع حکومت تنظیم می‌گردند؛ می‌دانند آنچه در رسانه‌های رژیم انتشار می‌یابد از سانسور و فیلترهای متعدد امنیتی گذشته و از سوی آنان کنترل

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست اوضاع سیاسی ایران پس از جنگ دوازده روزه!

یکسان عمل خواهند کرد. رژیم اسلامی و فاشیستهای سلطنت طلب و رضا پهلوی و کلا همه جریاناتی که از یک طرف این جنگ ارتجاعی دفاع کردند، از بازندگان جنگ دوازده روزه بودند. فاشیستها سلطنت طلب یک طرف جنگ بودند اما نتوانستند وظیفه خود را در به میدان آوردن مردم ایران بعنوان نیروی زمینی آمریکا و اسرائیل انجام دهند. ملی مذهبی‌ها، بخشی از لیبرالها و جمهوریخواهان نیز فاصله خود را با رژیم اسلامی کم کردند و از یک طرف جنگ دفاع کردند. سوسیالیستهای ایران در مجموع، و تشکلهای فعال موجود جنبشهای اجتماعی و طبقاتی ایران فاصله خود را با هر دو طرف جنگ ارتجاعی حفظ کردند و انسجام خود را از دست ندادند. در میان کل اپوزیسیون، سوسیالیستها و پایگاه طبقاتی و اجتماعی شان در موقعیت بهتری برای ادامه مبارزاتشان در راستای جنبش انقلابی مردم ایران که از دیمه ۹۶ آغاز شد برای سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی قرار دارند.

جمهوری اسلامی با شکست‌های پی در پی در عرصه‌های جهانی، منطقه‌ای و ناتوانی در تامین حداقل‌های نیازهای جامعه، در وضعیت شکننده و نابسامانی قرار گرفته و از ترس گسترش جنبش انقلابی، سیاست سرکوب را که در طول جنگ افزایش یافته بود، با دستگیری، شکنجه و اعدامهای گسترده تر تشدید کرده است. مقابل با ایجاد یک فضای قبرستانی در اولویت فعالین جنبش کارگری و همه جنبش‌های پیشرو اجتماعی و جریانات چپ و کمونیست قرار میگیرد. ادامه شکلگیری همیاری‌های مردمی در طول جنگ که نشانه بلوغ جامعه و زمینه‌های همبستگی از پائین است، بستر مناسبی برای ابتکار عمل و همبستگی علیه سرکوب را فراهم می‌آورد.

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

چهارشنبه ۴ تیر ۱۴۰۴ برابر با ۲۵ ژوئن ۲۰۲۵

امضاها: اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری-حکمیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

با فرمان ترامپ جنگ اسرائیل و رژیم اسلامی که از ۲۳ خرداد و با حمله اسرائیل آغاز شده بود، قطع شد. این جنگ آغاز شد تا راه حلی برای سوالات پاسخ نگرفته آژانس اتمی و شرایط تسلیم رژیم اسلامی به آمریکا که خامنه‌ای آنرا صلح تحمیلی و غیر قابل قبول خواند بیابد. زیرا هیچ دورنمایی برای حل این معضلات از طریق مذاکرات رژیم اسلامی با آژانس، سه کشور اروپایی و پنج دور مذاکره با نماینده ترامپ نداشت. این آتش بس ناپایدار زیرا هنوز مبانی و مفاد توافق آتش بس علنی با آمریکا منتشر نشده تا بتوان تاثیر جنگ را در حد عقب نشینی رژیم اسلامی مشاهده و تحلیل کرد.



دو طرف هر جنگی در مدت آتش بس به ترمیم ضربات و رفع نقاط ضعف خود می‌پردازند تا برای امکان شروع مجدد جنگ آماده تر باشند. توانایی هر طرف جنگ در کسب آمادگی برای آغاز مجدد جنگ مبنای چانه زنی در مذاکرات است. حفظ مشهود شکاف بزرگ اکثریت مردم ایران با رژیم اسلامی در طول جنگ، از هم پاشیدن استراتژی بازدارندگی که بر تهدید اتمی، موشکهای بالستیک و نیروهای نیابتی استوار بود، نفوذ سازمانهای اطلاعاتی کشورهای خارجی و به ویژه اسرائیل در بالاترین نهادهای رژیم اسلامی و ناتوانی مفرط این رژیم در دفاع از حریم هوایی کشور در کوتاه مدت، از جمله نقاط ضعف بزرگی است که در کوتاه مدت نمی‌توان بر آن غلبه کرد. بنابراین رژیم اسلامی در مذاکرات حول مفاد آتش بس در مقابل هر تهدید به آغاز مجدد جنگ شدیداً آسیب پذیر است.

حد عقب نشینی و یا تسلیم رژیم اسلامی چه بسا منشا اختلافات بزرگ در بالاترین سطوح قدرت شود منتها مادام که خامنه‌ای کنترل اوضاع را در دست دارد، اختلافات جناحها منجر به دو رویه متضاد نخواهد شد و همگی علیه مردم و برای حفظ کل نظام

درماندگی جمهوری اسلامی در جنگ بر متن تنفر و انزجار عمومی

جنگ ارتجاعی میان جمهوری اسلامی و رژیم اسرائیل وارد چهارمین روز خود شده است. طی این مدت از طریق بمبارانهای اسرائیل و موشک پرانی جمهوری اسلامی تعداد زیادی از مردم بی دفاع کشته و زخمی شده و ویرانهایی زیادی نیز برجا گذاشته است. البته حجم بمبارانها و تلفات وارده به جمهوری اسلامی قابل مقایسه با تلفاتی نیست که به اسرائیل وارد شده است. جمهوری اسلامی نه تنها اخبار درست و آمار دقیق تلفات و خسارات در جنگ را ارائه نمی‌دهد بلکه تلاش می‌کند مانع انتشار هر



گونه خبر درست و آمار دقیق توسط اشخاص و منابع مستقل نیز گردد. در این رابطه دستگاههای امنیتی رژیم در چند روز گذشته دهها نفر را به اتهام واهی از قبیل "ایجاد رعب و وحشت در جامعه، برهم زدن آرامش روانی مردم، جاسوسی برای اسرائیل، عضو موساد و غیره دستگیر کرده و آنان را تنها به جرم انتشار تصاویر و ویدیوهایی از جنگ در فضای مجازی، برای اعتراف به ناکرده‌های خود تحت شکنجه قرار داده اند. این خود دلیل و نشانه موقعیت ضعیف و شکست در جنگ است.

با وجود این بنا به گزارشهای منتشر شده در ایران، فقط در دور روز اول جنگ دست کم ۲۱۵ نفر از جمله ۷۸ نفر از فرماندهان رده بالای سپاه پاسداران و ۱۴ نفر از مدیران هسته‌ای کشته و حداقل ۶۴۸ نفر نیز زخمی شده‌اند. از سوی دیگر روزنامه جروسالم پست اسرائیل در همین بازه زمانی از کشته شدن ۱۰ نفر و زخمی شدن ۲۷۰ نفر در اسرائیل خبر داده

است. علاوه بر این تلفات بر اثر بمبارانها

زمینه اعتراضات کارگران و توده‌های مردم تهیدست را فراهم خواهد ساخت.

در این راستا رژیم تعدادی از دانشگاهها از جمله دانشگاه صنعتی شریف را نیز تعطیل اعلام کرده تا از تجمع دانشجویان و اعتراض آنها جلوگیری نماید. خبرنامه دانشجویی امیرکبیر روز سه شنبه ۲۷ خرداد از تخلیه اضطراری و اعلام وضعیت فوق‌العاده در این دانشگاه خبر داد. از سوی دیگر ادامه جنگ و بمبارانهای مداوم اسرائیل و گسترش ناامنی، شهروندان دیگر کشورهای مقیم ایران و حتی بعضی از سفارتخانه و کنسولگریهای دیگر دولتها را نیز واداشته فعالیت خود را متوقف و ایران را ترک نمایند. البته گزارشهای زیادی از تلاش بسیاری از مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی، عناصر بسیجی و مزدوران رژیم برای خروج از کشور نیز انعکاس داده شده است.

علاوه بر آن فرمانده انتظامی مازندران اعلام کرد طی این مدت و به ویژه به دنبال هشدار تخلیه شهر تهران از جانب اسرائیل، شش میلیون نفر به استان مازندران آمده‌اند.

در شرایطی که، رژیم جنایتکار و در مانده جمهوری اسلامی در مقابل مردم آواره مسئولیتی به عهده نمی‌گیرد، بسیاری از مردم در شهرهای مازندران، گیلان و کردستان در کمک و همیاری به کسانی که برای حفظ جان خود و فرزندانشان مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شده‌اند، بر روی پارچه یا کارتن نوشته‌اند "مسکن مجانی برای اسکان داریم". این اقدام انسانی و مسئولانه بر همبستگی توده‌های مردم در مبارزه علیه حکومت دزد و فاسد جمهوری اسلامی در جهت سرنگونی انقلابی این رژیم جنایتکار خواهد افزود و ضروری است در هر عرصه‌ای گسترش یابد. اکنون بیش از هر زمانی این ضرورت احساس می‌شود که نهادها، تشکل‌ها و رهبران بخش‌های مختلف جنبش کارگری در مراکز و مؤسسات صنعتی و خدماتی، معلمان، رانندگان کامیون، پرستاران، بازنشستگان، کارگران راه آهن و ... فعالین جنبش زنان و دانشجویی در یک شبکه به هم مرتبط شوند و فعالیت هایشان را در این زمینه هماهنگ کنند. لازم است فعالان جنبش‌های اجتماعی و سیاسی در سطح شهرها به هم مرتبط شوند و برای برپایی اعتراضات توده‌ای علیه این جنگ و گرانی برنامه ریزی کنند. اگر رژیم جمهوری اسلامی می‌خواهد از این جنگ را به فرصتی برای به حاشیه راندن و سرکوب قطعی اعتراضات کارگری و توده‌ای تبدیل کند، باید این معادله را تغییر داد و با برپایی اعتراضات توده‌ای و اعتصاب سیاسی توده‌ای و سراسری با خواست قطع جنگ بی‌درنگ، مبارزه برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی را چند قدم به جلو برد.

شده است. صدا و سیمای جمهوری اسلامی تا کنون نه بعنوان دستگاه حرفه‌ای تبلیغ بلکه به مثابه ابزار سرکوب مردم در اختیار دستگاههای امنیتی رژیم قرار داشته و هماهنگ با آنان عمل کرده است. از این نظر به اعتراف مسئولان و مقامات بالای رژیم اسلامی درصدها بسیار اندکی از مردم ایران به کانالهای رادیو تلویزیون و شبکه‌های اینترنتی حکومتی مراجعه می‌کنند.

جمهوری اسلامی قبلاً و در جریان اعتراضات ۹۶، ۹۸ و جنبش انقلابی ژینا نیز با قطع اینترنت مردم ایران را از دسترسی به شبکه‌های اجتماعی جهانی محروم ساخت و درواقع از آن به عنوان ابزار سانسور و سرکوب جنبشهای اعتراضی در جهت بقای خود استفاده کرد. قطع اینترنت در شرایط جنگی کنونی



که هر لحظه امکان دارد شهرها از سوی هوایما و پهبادهای رژیم اسرائیل بمباران گردند، امکان اطلاع رسانی مردم جهت کمک و همیاری به همدیگر را نیز از آنان می‌گیرد. قطع اینترنت در این مدت نه تنها ارتباطات میان مردم را با مشکل مواجه کرده، بلکه روند کسب و کار، داد و ستد، حمل و نقل و امور بانکی که در دنیای امروز به خدمات اینترنتی وابسته هستند را مختل کرده است و مردم به حسابهایشان نیز دسترسی ندارند و نمی‌توانند پول خود را بیرون آورند و به مصرف برسانند.

در این رابطه روز سه شنبه ۲۷ خرداد، مشترکین بسیاری از بانکها خبر دادند که اختلالاتی در سیستم کارتها و سامانه‌های بانکی ایجاد شده است و کار نمی‌کنند یا کلاً ازکار افتاده و قابل استفاده نیستند. از سوی دیگر بانک سپه که امورات مالی پرسنل نظامی و سپاه و بسیج بیشتر از طریق این بانک انجام می‌گیرد، به طور کامل از دسترس مشترکین خارج شده است. خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران رژیم با تأیید خبر حمله سایبری به زیرساختهای بانک سپه، اعتراف نمود که: "به دلیل پشتیبانی این بانک از جایگاههای سوخت، ممکن است اختلال در پمپ بنزین‌ها نیز ایجاد شود". در بسیاری از شهرها از روز اول حمله اسرائیل، عرضه بنزین با مشکل مواجه شد و صفهای انتظار چند کیلومتری در پمپهای بنزین بوجود آمد. اختلالات بانکی در کنار قطع مکرر برق، کمبود آب و نان، بنزین و گران شدن قیمت نان و دیگر مواد مصرفی ضروری، به تدریج موجب بی‌سروسامانی و از دست رفتن کنترل و مدیریت اداره جامعه از دست حکومت فاسد اسلامی می‌شود و

در چنین شرایطی هم آمریکا و هم سه قدرت تروئیکا (آلمان - فرانسه - بریتانیا) با اعلام آمادگی بر ادامه مذاکرات بر شروط خود برای مذاکره با جمهوری اسلامی افزوده‌اند. اولین پیش شرط آنان برای انجام هرگونه مذاکره‌ای توقف کامل غنی سازی اورانیوم و برچیدن پروژه هسته‌ای جمهوری اسلامی اعلام شده است. البته سایر شروط از جمله مسأله موشکی و پهبادی جمهوری اسلامی و عدم دخالت در امور دیگر کشورها نیز برسر میز مذاکره پیش آورده خواهند شد. جمهوری اسلامی اینبار نیز با محاسبات نادرست و تصور اینکه می‌تواند همانند چند دهه گذشته با اتلاف وقت و به بازی گرفتن آمریکا و قدرتهای اروپایی در مذاکرات هسته‌ای و با پافشاری بر ادامه غنی سازی اورانیوم، باجگیری کند، برای نتانیاهوی جنگ طلب فرصتی ایجاد کرد که در ادامه جنایاتش در غزه و لبنان، حمله به جمهوری اسلامی را آغاز کند.

این جنگ از دو طرف ارتجاعی و جنایتکارانه است و به ضرر منافع کارگران و مردم زحمتکش ایران است. تبعات این جنگ علاوه بر گسترش فقر و گرسنگی در ایران، می‌تواند روند رو به رشد جنبشهای اجتماعی برای مبارزه در مسیر سرنوشتی جمهوری اسلامی را نیز مختل سازد و حکومت فاسد و جنایتکار جمهوری اسلامی بتواند به بهانه آن به تشدید فضای جنگی و سرکوب این جنبشها اقدام نماید. در چنین شرایطی طبقه کارگر و زحمتکشان و مردم آزادیخواه ایران برای رهایی از خطر گسترش این جنگ راهی جز اعتراض توده‌ای علیه این جنگ ارتجاعی و تشدید مبارزه علیه جمهوری اسلامی و تلاش فشرده‌تر برای سازمانیابی صفوف خود و شکل دادن به رهبری سراسری برای قیام توده‌ای و سرنوشتی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی در پیش ندارند و نباید فرصت را از دست دهند.



ضعف و زبونی رژیم در جنگ با اسرائیل، جمهوری اسلامی را برآن داشته تا برای بقای خود روز سوم این جنگ، دست به دامان واسطه‌هایی برای انجام مذاکره گردد. از سوی رئیس جمهور قبرس روز یکشنبه ۲۵ خرداد اظهار داشت که: "ایران از ما خواسته است پیامی به اسرائیل منتقل کنیم و ما این کار را خواهیم کرد". سخنگوی وزارت خارجه رژیم که احتمالاً خبر از این اقدام حکومت نداشته باشد، سخنان رئیس جمهور قبرس را تکذیب کرد و گفت ما پیامی به اسرائیل نفرستاده‌ایم. از سوی دیگر فاش گردید



که جمهوری اسلامی از قطر و عمان و عربستان سعودی نیز خواسته است برای دستیابی به یک آتش بس میانجیگری کنند. رجب طیب اردوغان نیز به نوبه خود نگران از قدرگیری اسرائیل در منطقه روز یکشنبه در تماس با ترامپ و سران دولتهای خلیج برای ایفای نقش میانجی در بحران میان جمهوری اسلامی و اسرائیل اعلام آمادگی کرد. او تأکید کرد برای جلوگیری از فاجعه‌ای که ممکن است کل منطقه را به آتش بکشد، باید فوراً اقدام کرد. بدیهی است در چنین شرایط و توازن قوایی که به شدت به ضرر جمهوری اسلامی است، هر نوع مذاکره برای حصول آتش بس با اسرائیل حتی اگر ممکن گردد، شامل تسلیم جمهوری اسلامی و دادن امتیازات زیاد خواهد بود.

اسرائیل، زیرساختها و مراکز نظامی، سیستم پدافند هوایی و سکوهاى موشکی، تأسیسات هسته‌ای نظنز و اصفهان، ستاد فرماندهی وزارت دفاع، مرکز اطلاع رسانی فرماندهی نیروی انتظامی، ساختمانهای وزارت دادگستری و خارجه، مخازن سوخت، پژوهشگاه هسته‌ای و مراکز نظامی و دولتی و غیره نیز مورد اصابت قرار گرفته‌اند. در مقابل تعداد انگشت شمار از صدها موشک جمهوری اسلامی در شهرهای تل آویو حیفا و غیره به زمین رسیده و موجب تخریب خانه‌های مردم و کشته شدن آنان گردیده است.

این درحالی است که حسین سلامی و دیگر فرماندهان سپاه پاسداران قبل از شروع جنگ با رجزخوانی و لاف و گزاف هشدار می‌دادند که: "آمادگی کامل برای رویارویی با هر سناریویی دشمن داریم و چنانچه رژیم صهیونیستی دست از پا خطا کند، اسرائیل را نابود خواهیم کرد و منطقه را به آتش می‌کشیم". اما نحوه پیشبرد جنگ و نتایج آن در سه روز گذشته از جانب جمهوری اسلامی نشان داد که دستگاه فاسد و دزد سپاه پاسداران، که در کشتار مردم ایران خیره و دستشان به خون آلوده است، تا چه حد نا کارآمد و بی‌خاصیت بوده است. علیرغم آنکه روز جمعه و قبل از آغاز حمله اسرائیل به جمهوری اسلامی، آمریکا پرسنل خود در سفارت عراق، قطر و بحرین را با عجله کاهش داد و بیرون برد، سپاه پاسداران حتی در فکر اقدامات امنیتی برای حفاظت از رهبری خودش هم نبوده است. در این رابطه روز یکشنبه ۲۵ خرداد روزنامه لوموند نوشت که جمهوری اسلامی در مقابل بمبارانهای بی‌وقفه اسرائیل ضعیف و شکننده و از نظر دیپلماتیک منزوی و در عرصه داخلی نیز منفور و بی‌اعتبار شده است. لوموند می‌افزاید کشته شدن فرماندهان ارشد نظامی در این حملات، ساختار فرماندهی را نیز فروپاشیده و از نفوذ عمیق سرویسهای جاسوسی اسرائیل در قلب حکومت اسلامی پرده برداشته است.

اعضا، هواداران و دوستان حزب کمونیست ایران و کومه‌له! مردم آزاده و مبارز!

ما برای ادامه کاری فعالیت هایمان به کمک مالی شما نیازمندیم! تلویزیون کومه‌له و حزب کمونیست ایران با پشتیبانی و کمک مالی شما قادر خواهد بود با کیفیت بهتر و در شبکه‌های قابل دسترس‌تر، فعالیت هایش را در راستای اهداف سوسیالیستی برای تحقق زندگی‌ای شایسته انسان پیش ببرد! ما را در این راه یاری رسانید و به هر طریق و شکلی که برایتان مقدور است کمک‌های مالی خود را به تشکیلات‌های ما در محل‌های که هستید برسانید.



**کمک مالی به
حزب کمونیست
ایران و کومه‌له**

سایت تلویزیون کومه‌له

www.tvkomala.com



سایت کومه‌له

www.komalah.org



سایت حزب کمونیست ایران

www.cpiran.org



از سایت‌های حزب

کمونیست ایران

و کومه‌له

دیدن کنید!

تبعات جنگ ارتجاعی، زندگی، امنیت و معیشت مردم را به خطر انداخته است!

مسکن مجانی برای اسکان داریم!

در شرایطی که، رژیم جنایتکار و درمانده جمهوری اسلامی در مقابل مردم آواره مسئولیتی به عهده نمی‌گیرد، بسیاری از مردم در شهرهای مازندران، گیلان و کردستان در کمک و همیاری به کسانی که برای حفظ جان خود و فرزندان‌شان مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شده‌اند، بر روی پارچه یا کارتن نوشته‌اند: **“مسکن مجانی برای اسکان داریم.”** این اقدام انسانی و مسئولانه بر همبستگی توده‌های مردم در مبارزه علیه حکومت نژد و فاسد جمهوری اسلامی در جهت سرنگونی انقلابی این رژیم جنایتکار خواهد افزود و ضروری است در هر عرصه‌ای گسترش یابد.



<https://cpiran.org> <https://komala.co>

زنده به همبستگی توده‌های مردم



نامه‌ی سه نفر از زندانیان سیاسی زندان اوین، "آی‌شا اسداللهی"، "ناهید خداجو" و "نسرین خضرجوادی"،

خطاب به مردم عزیزمان،

با درود به شما مردم ستم‌دیده و حق‌طلب

ما زندانیان سیاسی بند زنان زندان اوین ضمن محکوم کردن جنگ ویرانگر دولت‌های سرمایه‌داری جهت اعمال سیاست‌های ضدانسانی و حفظ منافع و قدرتشان یادآوری می‌کنیم نه تنها کوچک‌ترین منفعی نصیب مردم نخواهد شد بلکه قربانیان اصلی چنین جنگ‌هایی مردم خواهند بود که کوچک‌ترین نقشی در به‌وجودآوردن جنگ‌ها ندارند. بدون شک مردم ایران و دیگر کشورها خواهان جنگ نیستند. چراکه جنگ‌های خانمان‌سوز و ویرانگر تحمیلی حکومت‌ها، هستی و جان هزاران انسان بی‌دفاع و بی‌پناه را خواهد گرفت و زندگی‌شان را به قهقرا می‌کشاند.

ما زندانیان سیاسی به‌عنوان گروگان‌های حکومتی در زندان‌های شهرهای ایران بدون هیچ امکان دفاع از خود پشت درب‌های آهنین متعدد در اسارتیم. اما با توجه به شرایط ویژه‌ای که بر ما تحمیل شده با تمام وجود از صمیم قلب نگران شما مردم عزیز و آزادی‌خواه و انقلابی ایران هستیم.

ما خواهان هرچه سریع‌تر خاتمه‌دادن به جنگ تحمیلی بر مردم هستیم و از شما مردم عزیز می‌خواهیم در مقابل جنگ‌طلبان قدرت و حاکمان با نیروی مردمی و حضور خود خواهان اتمام جنگ شوید.

ناهید خداجو

نسرین خضرجوادی

آی‌شا اسداللهی



جان زندانیان سیاسی محکوم به اعدام در خطر است!



حکم اعدام لغو باید گردد!



جان "پخشان عزیز"، شریفه محمدی" و "وریشه مرادی" در خطر است!

اکنون که هم رژیم فاشیستی اسرائیل و هم رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی بر طبل ادامه این جنگ می‌کوبند، طبقه کارگر و زنان و مردان آزاده ایران که فقط در طی هفت سال اخیر سه خیزش توده‌ای و انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی و هزاران اعتصاب و اعتراض کارگری و توده‌ای را تجربه کرده‌اند، نه تنها نباید نسبت به این جنگ بی‌تفاوت باشند، بلکه باید با شعار "نه به این جنگ ارتجاعی" و "قطع بیدرنگ جنگ" به اعتراضات و مبارزات خود برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی ادامه دهند.

سرنگونی انقلابی

جمهوری اسلامی

از مسیر اعتراضات

توده‌ای و سراسری

علیه این جنگ

ارتجاعی می‌گذرد

